

# فرهنگ موضوعی شاهنامه

«جلد اول»

ب. کوشش: سمیرا ستاری

دیباچه: دکتر ذوالفقار علامی مهماندوستی



انتشارات فرهنگ دانشجو

عنوان و پدیدآور: فرهنگ موضوعی شاهنامه/ به کوشش سمیرا ستاری، دیپاچه ذوالفقار علامی  
مشخصات نشر: تهران، فرهنگ دانشجو، ۱۳۹۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۸۴-۳ جلد اول: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۸۵-۰ جلد دوم: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۸۶-۷ جلد سوم: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۸۷-۴ دوره: ۴-۸۷-۸۴۷۹-۹۶۴-۹۷۸

سرشناسه: ستاری، سمیرا، ۱۳۶۱، گردآورنده

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۴ف۲۲س/PIR۴۴۹۵

رده‌بندی دیوبی: ۸۱/۲۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۳۳۰

## انتشارات فرهنگ دانشجو



عنوان: فرهنگ موضوعی شاهنامه

گردآورنده: سمیرا ستاری

صفحه‌آرایی: محمد (فرزاد) یزدی

ناشر: فرهنگ دانشجو

طراحی جلد: فرشاد؛ طرح پشت جلد: آیدین سلسبیل؛ طرح لوگو روی جلد: بهنام باقری

چاپ و صحافی: چاپ دیجیتال نسیم

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

بهای دوره سه جلدی: ۱۲۰٫۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

مرکز پخش: انتشارات فرهنگ دانشجو: خ انقلاب، خ بهار جنوبی، برج بهار، طبقه ۵، واحد ۵۹۹

تلفن: ۷۷۶۱۶۳۵۱-۷۷۶۱۶۹۵۴-۷۷۶۱۶۹۵۵

فکس: ۸۸۳۳۴۲۱۷

ISBN: 978-964-8479-84-3

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۷۹-۸۴-۳

## فهرست مطالب

| عنوان                                    | شماره صفحه |
|------------------------------------------|------------|
| دبیاچه.....                              | ۷          |
| پیشگفتار.....                            | ۱۱         |
| گفتار اندر نهادن کتاب.....               | ۳۵         |
| فصل اول - آداب و رسوم.....               | ۳۷         |
| فصل دوم - آیین‌ها، جشن‌ها و شنوایان..... | ۱۴۳        |
| فصل سوم - اخلاق، چهره و عادات ریسان..... | ۱۷۱        |
| ۱ - آرایش مو و صورت.....                 | ۱۸۱        |
| ۲ - اثاث منزل.....                       | ۱۸۳        |
| ۳ - اسباب بازی‌ها.....                   | ۱۹۲        |
| ۴ - پوشاک.....                           | ۱۹۲        |
| ۵ - تجملات و تزیینات.....                | ۲۰۲        |
| ۶ - خوراک.....                           | ۲۱۶        |
| ۷ - سلاح‌ها و جنگ‌افزارها.....           | ۲۲۴        |
| ۸ - عطرها و خوشبوی‌کننده‌ها.....         | ۲۷۶        |
| ۹ - نوشیدنی‌ها.....                      | ۲۷۸        |
| فصل چهارم - ادیان و مذاهب.....           | ۲۸۵        |
| فصل پنجم - باورها.....                   | ۴۰۱        |
| فصل ششم - پیشه‌ها.....                   | ۴۱۷        |
| فصل هفتم - تابوها و توتّم‌ها.....        | ۴۵۵        |
| ۱ - تابوی خون.....                       | ۴۶۰        |
| ۲ - تابوی فرم.....                       | ۴۶۱        |
| ۳ - تابوی نام.....                       | ۴۶۲        |
| فصل هشتم - تجارت و صنایع.....            | ۴۶۷        |
| فصل نهم - تقویم و گاه‌شماری.....         | ۵۴۷        |
| فصل دهم - جغرافیا.....                   | ۵۵۳        |
| اصطلاح‌های جغرافیایی.....                | ۵۵۷        |
| مکان‌های جغرافیایی (گیتایی).....         | ۵۷۰        |
| الف - باغ‌ها.....                        | ۵۷۰        |
| ب - پیشه‌ها.....                         | ۵۷۲        |

|     |           |
|-----|-----------|
| ۵۷۴ | پ- دریاها |
| ۵۸۵ | ت- دژها   |
| ۶۰۴ | ث- دشت‌ها |
| ۶۰۶ | ج- رودها  |

www.ketab.ir

## دیباچه

شاهنامه فردوسی در عمر هزارساله‌ی خود، در همه‌ی قلمرو گسترده‌ی زبان و ادب پارسی و فرهنگ ایرانی، یکی از گران‌بهاترین میراث‌های ادبی و از پُر ارج‌ترین منظومه‌های شعر پارسی و از بزرگ‌ترین مفاخر ملی ایرانیان بوده است. این درخت تناور و پُرشاخ و برگ، نه تنها در ببحوحه‌ی چیرگی عناصر بیگانه روئید و بالید و در مدت هزار سال در برابر تندبادهای طوفان‌های سهمناک خم نگشت، بلکه در برابر تهاجمات ویرانگر ترک و مغول و تیمور و روس و عثمانی، همچنان پایدار ماند و ایران و فرهنگ ایران را پاسداری کرد. شاهنامه، تنها حماسه‌ی ملی ایران نیست که سرگذشت اقوام ایرانی را در چهارچوب آن ملی بازتاب داده است، بلکه نشان‌دهنده‌ی کامیابی و توانایی شگرف فردوسی در نگاهداشت وحدت موضوع و دمیدن روح واحد در کالبد اثری است که از نظر گوناگونی موضوع و فراوانی مواد، حکم داستانیه را دارد. شاهنامه از یک‌سو، مجموعه‌ای از روایت‌های باستانی، داستان یلان و پهلوانان و پرنوشت شاهان و سلسله‌های اساطیری و تاریخی و سرگذشت پرنشیب و فراز اقوام ایرانی و داستان روایی ایران و توران، مبارزه خیر و شر و حق و باطل و تداوم بخش هویت ایرانی و پل ارتباطی ایران پیش از اسلام به ایران دوره‌ی اسلامی است و از سوی دیگر، جلوه‌گاه کامل زندگی آرمانی ایرانیان از رزم و بزم و ناور و آیین‌هاست.

پیداست که آفرینش چنین حماسه‌ی باسرسی و باوقار، بین شاهکاری، برای بیان اساسی‌ترین موضوع فرهنگی و ملی و برخوردار شدن از اقبال بی‌نظیر مردم و رسیدن به جایگاه بلند و بی‌بدیل، بدون بهره‌مندی از شیوه‌ی بیان و وزن و آهنگ مخصوص و ریژگ‌های هنری و نبوغ ادبی، ممکن نبود. فراهم آمدن این ویژگی‌ها و ارزش‌ها و امتیازات در شاهنامه، منتهی نفوذ و ژرفای تأثیر آن را در تاریخ، فرهنگ، هنر و ادبیات پارسی، منحصربه‌فرد کرده است تا جایی که ردّی شاهنامه در همه‌ی ابعاد و جنبه‌های زندگی مادی و معنوی ایرانیان، مشهود است. از این‌روست که شاهنامه پژوهی و تحقیق در پیرامون حماسه ملی ایران، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی و در سراسر جهان، برنامه‌های تحقیقاتی و از اساسی‌ترین مطالعات و پژوهش‌های دانشگاهی در ایران و کشورهای دیگر، در مراکز علمی و دانشگاهی آن‌ها، کرسی زبان و ادبیات پارسی، ایران‌شناسی دایر بوده است، تلقی می‌گردد.

شاهنامه، اثری چندسویه است و ظرفیت‌ها و جنبه‌های پژوهشی فراوان دارد و کارنامه‌ی پربری شاهنامه پژوهی، روشن‌ترین دلیل این حقیقت است. یکی از حوزه‌های شاهنامه پژوهی که از قدیم، نظر پژوهشگران را به خود جلب نموده است، بررسی فواید لغوی شاهنامه بوده است؛ از این‌رو، فرهنگ‌های پرشماری، درباره‌ی واژگان پارسی و عربی شاهنامه تدوین شده است که در زیر، به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. کهن‌ترین فرهنگی که در مورد واژگان شاهنامه تدوین شده، فرهنگی است با عنوان *معجم شاهنامه* از محمدبن‌رضابن‌محمد علوی طوسی نام‌بردار به شریف دفترخان (خوان) عادل‌ی که در اواخر سده‌ی ششم هجری، فرهنگ خود را تدوین کرده است.
۲. فرهنگ قواس از فخرالدین مبارک قواس غزنوی، در اواخر سده‌ی هفتم یا اوایل سده‌ی هشتم هجری.
۳. فرهنگ‌نامه‌ی شاهنامه از گردآورنده‌ای ناشناخته.
۴. فرهنگ واژگان شاهنامه از گردآورنده‌ای ناشناخته.
۵. لغت شاهنامه از عبدالقادر بغدادی.
۶. گنج‌نامه از علی‌بن‌طیفور بسطامی است که در سده‌ی یازده هجری می‌زیسته و از نویسندگان نامدار در حیدرآباد دکن بوده است.
۷. مشکلات شاهنامه از گردآورنده‌ای ناشناخته است و در سال ۱۱۵۶ هجری گردآوری شده است.
۸. لغت شاهنامه از گردآورنده‌ای گمنام که نسخه‌ای از آن در دارالکتب قاهره، محفوظ است.
۹. فرهنگ شاهنامه از مولانا ابوالبرکات دیراز دربار از پاریس هند است، این فرهنگ در سال ۱۸۰۹ در بمبئی منتشر شده است.
۱۰. فرهنگ شاهنامه فردوسی از فرانسوا ژان از شاگردان کریستیان بارتولومه، ایرانشناس نامدار آلمانی که مهم‌ترین کار علمی در شاهنامه پژوهی به حساب می‌آید؛ این فرهنگ، پس از نزدیک به سی‌سال، تلاش علمی، در سال ۱۹۲۵ میلادی در آلمان منتشر شده است.
۱۱. فرهنگ شاهنامه از رضا زاده شفیق (۱۳۵۰).
۱۲. واژه‌نامک از عبدالحسین نوشین (۱۳۵۰).
۱۳. ملاحظات دربار لغت‌های عربی شاهنامه از پل هومبر.
۱۴. واژگان عربی در شاهنامه از محمدجعفر معین‌فر (۱۹۷۰).
۱۵. واژه‌های ناشناخته در شاهنامه از دکتر علی رواقی (۱۳۵۱-۱۳۵۳).
۱۶. فرهنگ نام‌های شاهنامه از دکتر منصور رستگار فسایی (۱۳۶۹).
۱۷. فرهنگ نام‌های شاهنامه از علی جهانگیری (۱۳۶۹).
۱۸. فرهنگ جامع شاهنامه از دکتر محمود زرنجانی (۱۳۷۲).
۱۹. فرهنگ جامع نام‌های شاهنامه از محمدرضا عادل (۱۳۷۲).
۲۰. فرهنگ لغات و ترکیبات شاهنامه از داریوش شامبیانی (۱۳۷۵).
۲۱. فرهنگ شاهنامه از حسین شهیدی مازندرانی (۱۳۷۷).
۲۲. فرهنگ شاهنامه از دکتر علی رواقی (۱۳۹۰).

این فرهنگ‌ها با همه‌ی اهمیتی که دارند، به جنبه‌های لغوی شاهنامه اختصاص دارند، اما اثری که در دست دارید و جای آن در میان فرهنگ‌های موجود خالی بود، نخستین «فرهنگ موضوعی شاهنامه» و حاصل کوشش خستگی‌ناپذیر و همت بلند بانوی جوان و فرهیخته، سمیرا ستاری است که شاهنامه را با دقت و علاقه‌مندی تمام، مطالعه و شواهد را استخراج و دسته‌بندی کرده و این فرهنگ را تدوین نموده است و چون شاهنامه، از نظر گوناگونی مطالب و فراوانی مواد، به مثابه‌ی دانشنامه است و در آن، انبوهی از مضامین و مطالب وجود دارد، در آمدن به این دریای پهناور و بیرون شدن از آن، آن‌هم با دستانی پر، آسان نیست.

این بانوی فاضل که نسبت به شاهنامه، شوری در سر و عشقی در دل دارد، پیش از این، «فرهنگ توصیفی عدم طبیعی در شاهنامه فردوسی» را منتشر کرده است که به نوعی، جلد نخست این فرهنگ به شمار می‌آید. با این حال و با تمام کوششی که مؤلف ارجمند کرده، ممکن است کاستی‌ها و سهوهایی به نظر خوانندگان ظاهر شود و نکته‌سنج برسد که گریزی نیست و همه‌چیز را همگان دانند و به گفته‌ی سعدی بزرگ:

قَبَا گر حریر است و گر پرنیان به ناچار، حَشَوَش بود در میان

اما امید است که اهل فضل به سبب این، در آن نظر کنند و از راهنمایی این جوان فاضل و علاقه‌مند که عشق شاهنامه به وی، جرئت و شجاعت و راز اده و حسارت و پردلی تحقیق آموخته، دریغ نورزند. در پایان کار، کامیابی‌های روزافزون ایشان را درگاه خدای یگانه و بی‌همتا خواستارم و امیدوارم گام‌های بعدی را استوارتر بردارد. توفیق از او و توکل بر اوست.

دکتر نوالفقار علّامی - خرداد ۹۵

## پیشگفتار

موضوع کتاب پیش رو، «فرهنگ موضوعی شاهنامه» است. این دفتر، بهراستی، کامل‌کننده و تمام‌کننده‌ی نخستین اثر نگارنده، با نام «فرهنگ توصیفی علوم طبیعی در شاهنامه‌ی فردوسی» است؛ با این توضیح که دفتر نخست این فرهنگ‌نامه، به بررسی و پژوهش شش دانش از دانش‌های کهن ایران زمین (یزشکی، جانورشناسی، کانی‌شناسی، گیاه‌شناسی، موسیقی و نجوم) پرداخته و دفتر دوم، به توضیح هیجده فصل مستقل، (دربارنده‌ی آداب و رسوم، آیین‌ها و جشن‌ها، اخلاق و عادات، ادیان و مذاهب، باورها و عقاید، پیشه‌ها، تابوها و توت‌ها، تجارت و صنایع، تقویم و گاه‌شماری، جغرافیا، دانش‌های خنثی، سرگرمی‌ها و ورزش‌ها، کهن‌الگوها، مقادیر، نام‌ها، نمادها، نهادهای اجتماعی و هنرها) می‌پردازد. در بخش پیوست کتاب، به ترتیب، به بیت‌های مثل‌گون شاهنامه که به‌صورت ذوقی توسط نگارنده، گزین شده است و به‌گونه‌ای حکم مثل سایر یا ضرب‌المثل داشته و میان مردمان رواج دارد و یا شایستگی آن را دارد که به‌سر مورد توجه قرار گرفته و پاس داشته و برای زندگی بهتر به کار بسته شوند، ویژه است که شش شیوه نگارش فرهنگ الفبایی، به ترتیب حروف الفبا چیده شده است. فصل دوم، به بوم‌نگارها (نقشه‌ای) کامل - جغرافیایی ایرانشهر بزرگ در دوره‌های هخامنشی تا ساسانی پرداخته شده است و حدود و گستره‌ی ایرانشهر را در هر دوره نشان می‌دهد. فصل سوم، به آرایه‌ی چند جنول پرداخته شده است که دانسته‌های کوتاه، اما کاملی را درباره‌ی شاهان اشاره شده در شاهنامه، چم نام و چرای آن، لقب و چرای آن ماد، پسر، همسر یا همسران، فرزندان، مدت فرمانروایی و جانشین یا ولیعهد شاه ویژه است. فصل چهارم، به نگاره‌های برخی آیین‌ها، سلاح‌ها، سکه‌ها، مهرها و مانند آن، به ترتیب فصل‌های اصلی کتاب و وابسته به کتاب آن‌ها، ویژه است. فصل پنجم، به شناساندن و یادکرد بن‌مایه‌های مورد استفاده در نگارش فرهنگ با ریزگی‌های کامل پرداخته است و درنهایت، فصل ششم، به واژه‌نامه ویژه است و دربردارنده‌ی واژگان است که در متن کتاب آمده است و ممکن است خواننده را در فهم اثر دشوار آید و یا چم امروزی ایرانی است که پارسی سره آن در متن آمده است و آن نیز، برحسب ترتیب حروف الفبا است؛ اما پیش از آن به فصل‌های هیجده‌گانه پرداخته شود، نیک است کمی در خصوص فردوسی، اثر سترگ وی، بن‌مایه‌های شاهنامه، پشتیبانان فردوسی و دست‌اندرکاران شاهنامه و سخنان برخی بزرگان درباره‌ی فردوسی و شاهکار وی پرداخته شود. تولدکه گفته است: «نام واقعی این شاعر، برای ما روشن نیست. زندگی‌نامه نویسان، گاهی او را منصور، گاهی /حمد و گاهی حسن می‌نامند. از سوی دیگر، کنیه‌ی ابوالقاسم که در روایت‌ها یادشده، به‌طور یقین درست است. عروضی سمرقندی نیز، وی را به همین کنیه می‌خواند. فردوسی، تخلص اوست، نه نام خانوادگی موروثی، چنان که برخی گفته‌اند. نام پدر وی، به‌درستی مشخص نیست. فردوسی در شعرهای آخر شاهنامه، می‌گوید که نزدیک به هشتاد سال از عمر او گذشته است. برای کامل نمودن این گفته، می‌توان بدون تشویش خاطر، اظهارات شاعر را بدان پیوست که می‌گوید: شاهنامه در روز

بیست و پنجم (روز ارد) ماه دوازدهم (سپندارمذ) سال چهارصد هجری که برابر با بیست و پنجم فوریه سال هزار و ده میلادی می‌شود، به پایان رسیده است؛ پس نتیجه این می‌شود که او کمی پس از سال سیصد و بیست هجری به دنیا آمده است» (نولدکه ۱۳۶۹، ص ۵۳-۵۵). خود فردوسی نیز در هجوتنامه، خویشتن را طوسی می‌نامد؛ عروضی سمرقندی، میهن وی را دیه‌ی بزرگ بائر که از ناحیت طبران است، یاد می‌کند. بنا بر گفته‌ی مقدسی، این محل که طبران نیز نوشته شده است، حاکم‌نشین طوس بوده است. بنا بر گفته‌ی یاقوت حموی در (ذیل ماده طبران)، شهر طوس، به دو ناحیه بخش می‌شده و طبران، نام ناحیه‌ی بزرگ‌تر بوده است. در هر حال، اظهار عروضی معتبرتر از گفته‌های دیگری است که مدت‌ها بعد زندگی کرده و می‌نویسد که فردوسی، در شاذاب که محلی نزدیک طوس است، به دنیا آمده است. بنا بر گفته‌ی عروضی، شاعر، دهقانی از اهل طوس و نسبتاً بی‌نیاز بوده است. روایت‌های دیگر نیز، رباره‌ی او همین باور را دارند. فردوسی گوید که یکی از دوستان او، نامه‌ی شاهان را به او داد تا به نظم درآورد. ممکن است، راست باشد که این مرد، محمد لشکری نام داشته است و همچنین به نظر می‌رسد که در طوس زندگی می‌کرده است. فردوسی پس از مرگ او که مدت‌ها پیش‌تر بوده، در دیباچه شعرهای خودی به یاد وی سروده است. این مرد که به فردوسی، کمک‌های بسیاری کرده است؛ به دشواری می‌توان درستی نام ابومنصورین محمد را که در عنوان یادشده است، تشخیص داد. نکته‌ی جالب توجه آن است که عروضی، علی دیلم را از ابودلف جدا می‌شمارد و مصرع «علی دیلم بودلف راست بهر» را که در نسخه‌ها آورده شده، این گونه می‌خواند: «علی دیلم و بودلف راست بهر» و همچنین دور از ذهن نیست که حبیب‌زاده (حبیب قتیب) که به او، مال و متاع بخشیده و او را از پرداخت خراج زمین برکنار داشته است، آن مردی که عروضی نیز تصدیق می‌کند، حکمران طوس بوده باشد. شاید این مرد، در زمان سامانیان متصفا و این‌یسه بوده است، نه در زمان محمود غزنوی (نولدکه ۱۳۶۹، ص ۵۶-۵۹).

|                             |                            |
|-----------------------------|----------------------------|
| از این نامه از نامداران شهر | علی دیلم بودلف راست بهر    |
| نیامد جز احستشان بهرام      | بگفت اندر احستشان زهرام    |
| حبیب قتیبه است از آزادگان   | که از من نخواهد سخن رایگان |
| نیم آگه از اصل و فرع خراج   | همی غلطم اندر میان دواج    |

(شاردن ۱۳۳۸/ص ۸۸-۸۷)

و فردوسی، در ابیاتی، به دوست مهربان و پشتیبان خود اشاره می‌کند که بنا بر مطالب شاهنامه‌ی بایسنقری، گویا مهربان دوست وی، همان «محمد لشکری» بوده است.